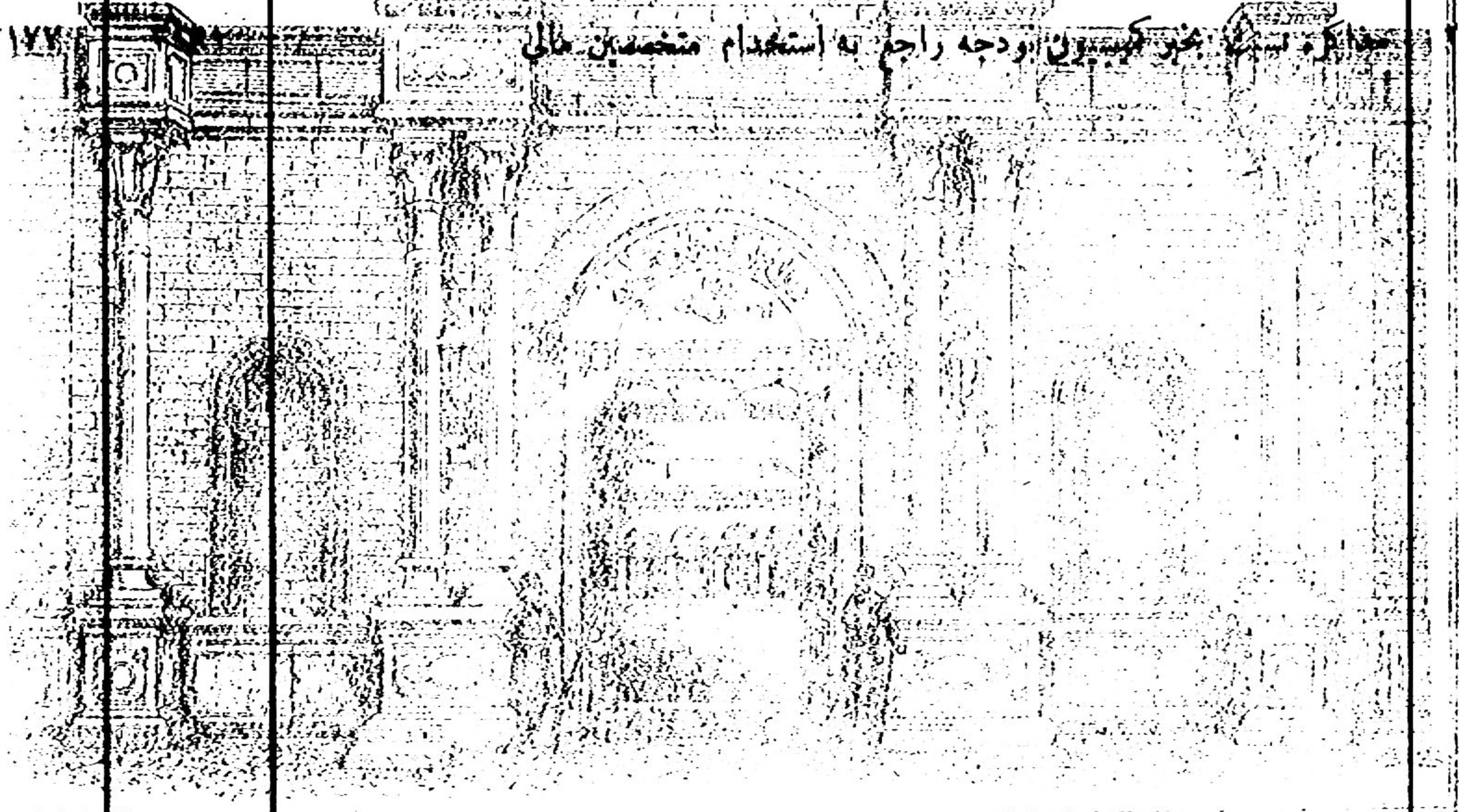


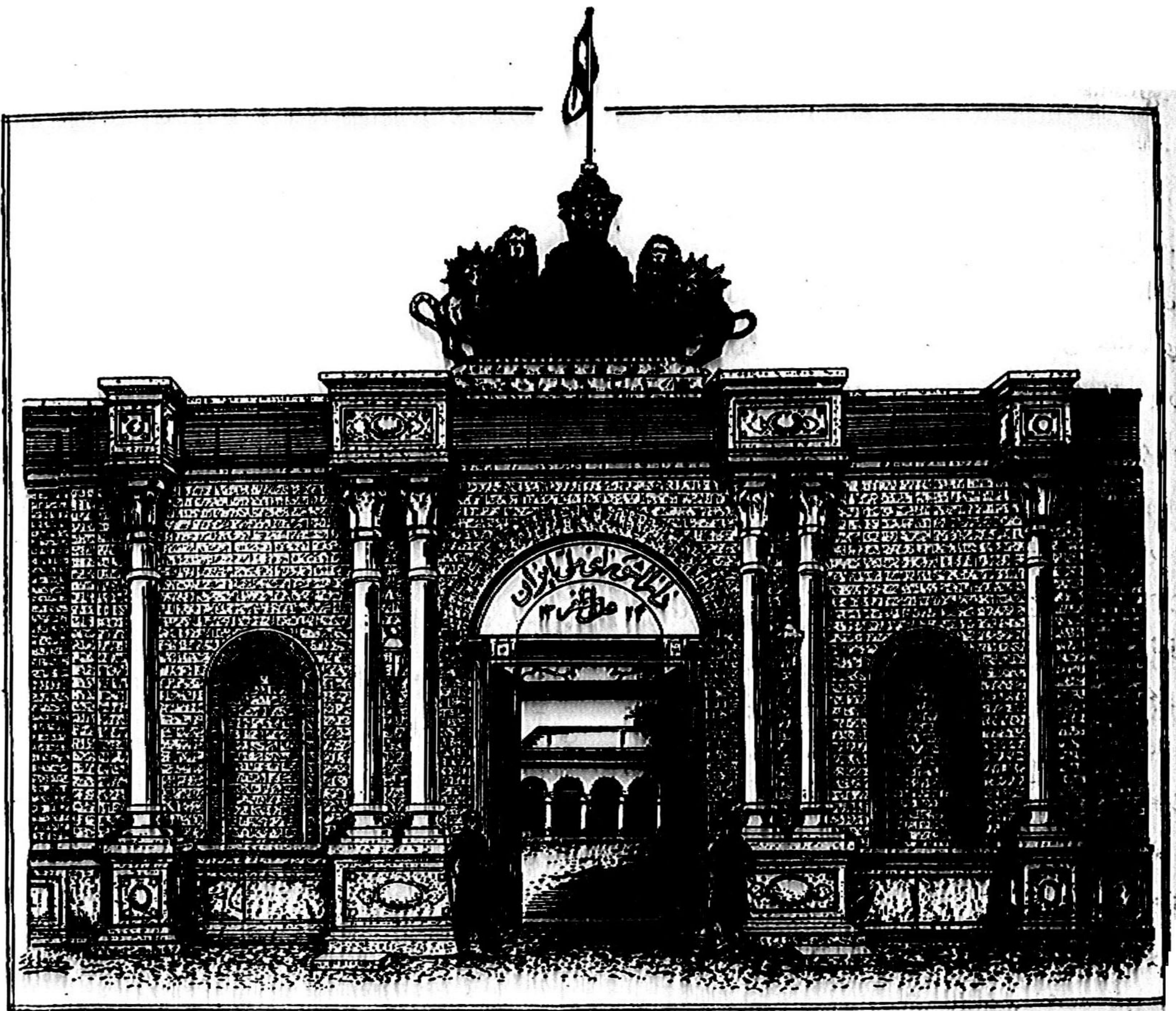
دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۹۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۵۷</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۱ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ رجب المرجب ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مکتوبات

از صفحه	الی صفحه	عنوان
۲۱۶۰	۲۱۶۱	نجدید اقتراع شعب سنه
۲۱۷۲		مخبر کبیرین اودجه راجع به استخدام متخصمین مالی





مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۲۱ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ رجب المرجب ۱۳۴۶

جلسه ۱۹۲

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: ذوالقدر - دشتی - مهدوی - عدل - میرزا
 ابراهیم آشتیانی - میرزا حسن خان وثوق
 غائبین بی اجازه جلسه قبل

(مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از
 ظهر بریاست آقای یونینا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس یوم سه شنبه ۱۹ دیماه
 را آقای نکهبان قرائت نمودند)

آقایان: حاج علی اکبر امین - اسدی - مرعشی قلی
 خان بیات - امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی -
 زارع - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
 دبر آمدگان با اجازه جلسه قبل
 آقایان عراقی - فومنی - مولوی
 دبر آمدگان بی اجازه جلسه قبل
 آقایان: سهراب خان - حاج میرزا حبیب الله - جلالی
 شریعت زاده - حاج شیخ بیات - بهار - جهانشاهی -
 سلطان محمد خان عامری - زنگنه - محمد ولی میرزا
 رئیس -- آقای فرمند

فرمند - بنده کسالت داشتم و در جلسه گذشته اجازه
 خواسته بودم و از مقام ریاست هم استعجازه کرده بودم
 رئیس -- از کمیسیون تحقیق و اصلاح میشود آقای
 دهستانی
 دهستان - در جلسه نوزدهم دی بنده را غائب بی
 اجازه نوشته بودند در صورتیکه بنده اجازه خواسته بودم
 و بمقام ریاست هم عرض کرده بودم
 رئیس -- این هم تحقیق میشود. صورت مجلس ایرادی
 ندارد.

(گفتند خبر)

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد
 وزیر مالیه - بنده میخواستم از آقایان تقاضا کنم
 موافقت بفرمایند خبر از کمیسیون بودجه راجع متخصمین
 مالی که مدن است خبرش تقدیم شده در دستور باشد
 رئیس -- شعبه ها باید امروز تجدید شود. بهر
 شعبه هیچکس نفر قرار نمیگیرد الا شعبه اول و دوم و
 سوم و چهارم که نوزده نفر میشود

(افترع بعمل آمده و نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)
 شعبه اول آقایان: حسنخان فرمند - طباطبائی دیبا
 دکتر رفیع خان امین - امامی - ارباب کیخسرو شاهرخ
 ملک مدنی - شریعت زاده - میرزا ابراهیم خان افخمی

جهنوبس - میرزا حسنخان ابراهیمی - پیرنیا - مولوی
 غلامحسین میرزا مسعود - میرزا عبدالحسین - میرممتاز
 میرزا ابراهیم امام جمعه اهر - زعیم - اسکندری
 شعبه اول اضافه شد آقای ملک آرائی
 دوم ، ، ، بهار
 سوم ، ، ، میرزاعلی کازرونی
 چهارم ، ، ، میرزا حسنخان موقر
 رئیس -- جمعی از آقایان پیشنهاد کرده اند که
 لایحه متخص مالی مطرح شود لیکن آقای کازرونی پیشنهاد
 کرده اند لایحه اختیارات رئیس کل مالیه مطرح شود
 کازرونی - چون آقایان این طور مقتضی می دانند
 که لایحه متخصین مالی مطرح شود بنده پیشنهادم را
 استرداد میکنم

رئیس -- لایحه متخصین مالی مطرح است لایحه يك
 شوری است مخالفی که ندارد
 (گفتند خبر)

رئیس -- مذاکرات راجع به کلیات است. آقای
 بامداد.

بامداد - يك اصل کلی که جای تردید نیست که
 باید در هر موضوعی احتیاج مردم را سنجید و تشخیص
 داد و به تناسب او برای رفع احتیاج کوشید. هرطبیعی
 برای هر دردی خوب نیست برای هر دردی يك طبیب
 مخصوصی لازم است باید ما نگاه کنیم که مالیه ما چه
 احتیاج دارد. مالیه امروز ایران چه احتیاجاتی دارد.
 آن وقت بهمان تناسب متخص فنی و مستشار و هر چه
 آنها را بگذارید بیآوریم و در خور همان احتیاجات به
 آن شخص وسائل کار بدهیم که انجام بدهد. مالیه ما
 قبل از همه چیز محتاج به تشکیلات است. تشکیلات این
 مالیه هم خوب نیست و متناسب با احتیاجات ایران
 نیست. يك مالیه عریض و طویل که هر دوره هر وزیر
 هرکبینه آمده است و يك چیزهایی بر او اضافه کرده

است بدون اینکه تناسب و مقتضیات را رعایت کرده
 باشد بودجه اش هیچ تناسب ندارد صدی هر قدر حساب
 کنیم دو مقابل هر مملکتی از ممالک دنیا حساب کنیم
 باز مالیه مملکت ما زیاد تر است تشکیلاتش مثل
 سیب است مثل بنای در سیب است متصل زیر و زیر
 می شود بالاخره باید وزارت مالیه دارای يك
 تشکیلات ثابتی باشد که در اثر وجود هر شخصی
 تغییر نکند بنده ایرادی که به مستشار سابق مالیه داشتم
 (با اینکه پول را خوب جمع آوری میکرد و نگاه میداشت)
 ولی در تشکیلاتش ضعیف بود بنده بخود او هم گفته
 بودم که این تشکیلات تشکیلاتی که متناسب با ایران
 باشد نیست مالیه ما درخت بی ثمر بر شاخه و برگ
 است چنانچه يك بدبختی که احتیاج پیدا میکند به آنجا
 او میفهمد که این مالیه چقدر ننگین است این وزارت
 مالیه چقدر سبب بدبختی مردم شده است کسانی که در
 این مجلس تشریف دارند و سمت نمایندگی دارند البته
 بیشتر طرف ملاحظه هستند درها بر روی ما باز است
 فکر کنید يك اشخاصی که این مقام و موقعیت را ندارند
 يك مراسله میدنویسند بعد از ششماه به ظالم آنها مراجعه
 میشود او هم البته جواب میدهد حق با من است بنده
 معتقدم که باید فکری کرد و يك شخصی را آورد که
 این قدم را اول بردارد و يك تشکیلات متناسبی با
 احتیاجات ایران بدهد آن هم محکم یعنی با آمدن يك
 شخص یا يك وزیر تغییر نکند. این عقیده بنده است راجع
 به تمام وزارتخانهها مخصوصاً وزارت مالیه که ديك بخار تمام
 وزارت خانهها است امروز شما وقتی نگاه کنید به
 اوضاع مالیه حقیقه يك مأمور نیست که خودش را نا
 فردا در پشت میز ثابت بداند بنده عقیده ام این است
 که باید طوری تشکیلات بشود که تمام مأمورین قوی القلب
 باشند در اینکه اگر انجام وظیفه کردند ثابت هستند
 و مراتب قانونی نایل میشوند و اگر نکرده مجازات میشوند
 دو قسمت است در اینجا یکی راجع به متخص مالی
 است و مستشار یکی هم راجع بخزانة دار در قسمت مستشار
 تمام این چیزهایی که عرض کردم ابدأ تأمین نمی شود

زیرا بکنفر آدمی است که فقط طرف مشورت است يك پولی ما بهش میدهیم و يك دستگاہی هم برایش درست میکنیم او يك چیزی میگوید من خواستم اجرا میکنم نخواستم نمیکم بنده به آقای وزیر عرض کردم که خوبست عوض مستشار شما تقاضای اعتبار بکنید و يك دوره کتاب مالی و اقتصادی بخواید و هر وقت خواستید بهان فصل رجوع کنید ما تجربه کرده ایم مکرر که مستشار این چوری بدرد نمیخورد مثل برنی و آن بیزوی فرانسی در صورتیکه شخص بیزوی یکی از متخصصین عالم مقام فن اقتصاد است ولی برای ما فایده نکرد چنداناً جزوه و کتاب از او بیادکار مانده که معلوم نیست کجا است در باب خزانه دار بنده از ناچاری موافقم که خوشبختانه کمیسیون بودجه هم يك اصلاحاتی کرد و تا این کرد این مقصود را که خزانه دار با يك اختیاراتی که دارد رفتار کند و پولهای که میدهد بر طبق قوانینی باشد که به او اجازه داده شده است و این بسیار خوبست ولی نتیجه آن دو نفر دیگر چی است این است که مالیه که حالا هست بعد از دو سال باز بهمین صورتی که هست بما تسلیم میشود ما به بکنفری که پول میدهم در مقابل احتیاجی است که به او داریم ما مقصودمان توسعه اقتصاد عمومی است که باید مردم پر روت بشوند و مالیه ما آباد شود بنا بر این بنده با آن متخصصی که اسمش مستشار است و طرف مشورت است کاملاً مخالفم و هیچ درد بیدرمان مالیه رادوا نخواهد کرد ولی در قسمت خزانه دار موافقم این است نظریات بنده .

شیرانی (مخبر کمیسیون بودجه) اظهارات نماینده محترم مخصوصاً راجع به معایب فعلی مالیه و نقص تشکیلات خودشان تصدیق میفرمایند که ما باید بصورت فعلی این وزارتخانه ها هر چه زودتر خانه بدهیم و بنده تصور میکنم که لزوم سرعت و تصویب این لایحه کمتر از قرار داد ها و کمتر از آن لواجی که ما مکرر به قید دو فوریت

به مجلس آورده ایم و گذرانده ایم نیست در هر صورت ما باید این لایحه را تصویب کنیم و در عین حال تصدیق میفرمایند که فلسفه استخدام متخصص مالی برای این مملکت منحصرأ برای تشکیلات یا نوشتن پروژه نیست شما بالاخره باید اعتبارات این مملکت موجبات اقتصادی این مملکت را بیک وسائل مفیدی در دنیا محرز کنید و البته این بدست خود ما میسر نیست و الا نوشتن پروژه یا مراجعه به کتاب شاید برای تحصیل کرده های ما هم میسر باشد . ما باید بوسیله جلب بکده متخصصین و ماورین اعتبارات این مملکت را در خارج منعکس کنیم . شما همین دوسه سالی که خرج و دخل مملکتتان تعادل پیدا کرده در نتیجه امنیت و آسایش عمومی بوده است که مملکت قدری رو بآبادی و عمران رفته است و ما توانسته ایم که جمع و خرج مملکتمان را تطبیق کنیم . این را باید عرض کنم صد در صد اعتبارات مملکت ما در خارجه زیاد شده است و این کافی نیست شما میگویید فقط ما قرض نداریم تا آخر سال کسر بودجه نداریم ولی تصدیق میفرمایند که بودجه ما يك بودجه خیلی ضعیفی است و وضعیت مالی مملکتمان خیلی ناقص است و بالاخره باید يك وضعیت دیگری را اینجا ایجاد کرد بنا بر این لازم است که ما به اشخاصی که بیشتر از ما ذی فن هستند مراجعه کنیم و راجع بنواقصی که فرمودند عرض میکنم که همین نواقص ایجاد کرده است که ما زودتر يك اشخاصی را بیآوریم که این نواقص را رفع کند فرمودند که این مستشار وجودش تاثیر ندارد لابد لایحه را مراجعه فرموده اند این شخص که ما می آوریم مستشار نیست این بکنفر متخصص است که بکنفری نافعتر از کتاب است برای اینکه باید وضعیت اقتصادی این مملکت ، فلاحت این مملکت بالاخره ثروت نحت الارضی این مملکت همه را در نظر بگیرد آنوقت به کتاب مراجعه کند و يك پروژه متناسب با استعداد این مملکت بدست بیآورد

پس باید متخصص بیاید و وضعیت این مملکت را در نظر بگیرد و در عین حال اگر نواقصی در اختیارات این متخصص می بینید باید پیشنهاد بفرمائید و عمده شاه ماده این لایحه همان ماده راجع بنزانه دار است و آن اختیاراتی که مجلس شورای ملی لازم میدانند بیک نفر مسئول جمع و خرج مملکت بدهد آن را هم در ضمن شور مواد باز اگر نواقصی آقایان ملاحظه می فرمایند پیشنهاد میفرمایند لابد میروند بکمیسیون و بحث میشود اصلاح میشود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بطوریکه تجربه داریم و همه آقایان نمایندگان محترم متوجه هستند ما برای دو مسئله مهم است که محتاج هستیم به اینکه متخصص و مستشار از مالک متمدنه بیآوریم و از وجود آنها استفاده کنیم . یکی برای کسب اطلاعات است که بتوانیم از اطلاعات آنها استفاده کنیم و یکی هم برای این نظر است که شاید هر وقت ایرانیها در رأس کاری باشند همیشه مقهور مسائل داخلی و خصوصیات میشوند و همیشه در امورات رعایت دوستی را میکنند رعایت دشمنی را میکنند بعضی از نمایندگان - اشتباه است

موقر - کارهای مردم را دوماه معطل میکنند ملاحظه دوستی است ؟

مدرس - حق لیکو آقا

احتشام زاده - اجازه بفرمائید بنده عقاید خودم را عرض کنم شاید اشتباه کرده باشم ممکن است آقایان بعد اشتباه مرا رفع کنند بالاخره برای پیشرفت این دو مسئله مهم است که ما محتاج هستیم يك اشخاصی را بیآوریم و از وجود آنها استفاده کنیم و البته بایستی این اشخاصی را که میآوریم و میخواهیم از وجودشان استفاده کنیم يك اختیاراتی هم به آنها بدهیم که در نتیجه تأمین این نظریه اصلاح بکنند اوضاع اقتصادی و اوضاع ادارات ما را البته بنده معتقد نیستم که يك

متخصصین یا يك مستشارهایی که میآوریم بقدری بهشان اختیار بدهیم که اگر آنها عمداً یا سهواً بخوانند از وظایف مربوطه خودشان تجاوز کنند یا بخوانند قانون را سوء تفسیر کنند دست ما بسته باشد و نتوانیم جلو گیری کنیم بنده معتقدم که باید مستشار ها و متخصصین که میآوریم در يك حدودی اختیارات بهشان بدهیم و ضمناً برای دولتها هم يك اختیاراتی قائل شویم که دولتهای وقت هم بتوانند از تجاوزات و زیاده رویهای آنها جلو گیری کنند از طرفی هم این عقیده را دارم که آنها را هم بکلی بی اختیار نباید گذاشت برای این که اگر بکلی بی اختیار باشند همانطور که گفته شد وجود آنها عیناً مثل يك کتابی می ماند که بتواند مطالب خودش را بگوید بنده معتقدم در مسائل کلی در تشکیلات که يك مسائل خیلی مهمی است و اطلاعات داخلی از وضعیت مملکت فوق العاده درش مؤثر است باید مستشارها درش مشورت کنند ولی در امور جزئی در اتصایات در پرداخت مخارج در جمع آوری مالیات مطابق يك قوانینی که مجلس شورای ملی وضع میکنند به آنها اختیارات کامل بدهیم که هیچگونه ملاحظات خصوصی نتواند آنها را منحرف کند از انجام وظیفه در این لایحه که ملاحظه میفرمائید تقریباً آن متخصص مالی يك آدمی است که فقط برای مشورت آمده است خزانه دار هم يك اختیارات مختصری دارد بنده معتقدم که يك کسی که در رأس امور مالی ما است يك اختیارات کاملی باید داشته باشد و حق تغییر و تبدیل و انتصاب اعضای وزارت مالیه و متصدیان جمع و خرج را داشته باشد والا فرض بفرمائید يك قسمت از مالیه ما در دست يك متخصصی باشد یا يك اختیاراتی خوب سایر قسمت ها چه میشود ؟ و این متخصص که در لایحه ذکر شده است تقریباً وجودش زائد است برای اینکه اگر مقصودش مشورت باشد همینطور که نماینده محترم فرمودند ممکن است کتاب بیآوریم و استفاده کنیم داعی نداریم که بکنفری را بیآوریم با يك حقوق زیادی

و برای او هم ناچاریم يك اشخاص دیگری را بیازوریم در صورتیکه معلوم نیست از وجود اینها آیا استفاده میشود یا نه بنده گمان میکنم که اصولاً طرز تنظیم این لایحه خوب نیست زیرا ما يك شخص عالی مقامی را که میخواهیم بیاوریم بایستی يك اختیاراتی به او بدهیم که در امور کلی مالیات و در تشکیلات وزارت مالیه طرف مشورت باشند و در امور انتصاب و عزل و نصب و جمع آوری مالیات و پرداخت مخارج مطابق يك سلسله قوانینی که وضع شده است یا اگر لازم باشد در آئینه وضع شود اختیار نام داشته باشند منتها به هیئت دولت به وساطت وزارت مالیه این حق را بدهیم برای حفظ سیاست مملکت که اگر به بینند این مستشار از حدود وظائف خودش تجاوز کرده است یا از قوانین سوء استفاده نموده و برخلاف قوانین يك نظامنامه ها یا متحد المال هائی نوشته است وزیر مالیه بتواند از آن تجاوزات برخلاف قانون جلوگیری کند و ضمناً یکنفر دیگری را هم برای اداره تقشیش در این لایحه اسم برده اند ولی هیچ وظایف او را معین نکرده اند جز اینکه در ماده اول در رقم چهارم نوشته اند یکنفر برای ریاست اداره تقشیش از آلمان دیگر هیچ وظایف و اختیاراتی برای اداره تقشیش تصور نکرده اند. بعقیده من باید این تقیصه رفع شود. دیگر قسمت اختلاف ملیت آنها است. در لایحه نوشته شده است دو نفر از اتباع آلمان و دو نفر از اتباع سوئیس. بنده خیال میکنم در نتیجه اختلاف ملیت ممکن است اینها که در يك وزارتخانه و در يك کار هستند اختلاف نظر پیدا کنند و این اختلاف نظرشان اسباب اختلال امور مالیه ما بشود بنده عقیده ام این است که اگر سقی کنیم این متخصصینی که برای امور مالی لازم داریم همه را از آلمان بیاوریم هم بهتر میتوانیم از وجود آنها استفاده کنیم و هیچوقت هم اختلاف نظری در قسمت امور مالی بین آنها پیش نخواهد آمد موضوع تشکیلات مالیه هم يك موضوعی است که

زائد میدانم مسائلی را عرض کنم و همینقدر برای تأیید فرمایش نماینده محترم عرض میکنم حقیقه این تشکیلات مالیه امروزه ما جز اینکه اسباب زحمت مردم و اسباب تأخیر کار و تقریباً مالیه مملکت است هیچ نتیجه دیگری ندارد و بعقیده بنده در اولین قدمی که برای اصلاح امور مالی بر میداریم باید این تشکیلات را تغییر بدهیم و يك تشکیلات ساده تری که اسباب تسهیل کار مردم باشد و متضمن این مخارج زیاد اداری هم نباشد در نظر بگیریم این عقاید بنده است راجع بکللیات این لایحه.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده اولاً يك عرضی خدمت آقایان می کنم و گمان میکنم آقای احتشام زاده حمل بر تعریض بکنند. اما استدعا میکنم لایحه که تقدیم مجلس میشود اول تا آخرش را بخوانند آنوقت به بینند کمیسیون بودجه چه جور نظریاتی را که ایشان در تحت يك عباراتی بیان کردند همان ها را کمیسیون بودجه ملاحظه کرده حالا بنده وارد میشوم و ماده را یکی یکی بعرض مجلس میرسانم که آقا ملتفت باشند تقصیرم نداشتند چون لایحه مطرح نبوده است مطالعه نکرده اند و یکدفعه وارد شده اند...

احتشامزاده - خیر آقا مطالعه کرده ام

آقا سید یعقوب - پس خیلی غریب است!! اگر مطالعه کرده اید و او بلا است من خیال میکردم مطالعه نکرده اید و تأیید بنده بعرض مجلس میرسانم و ادعای کنم که این لایحه بهتر باشد. عقیده بنده اینست همان طور که تصدیق داشتیم کنتراف دکتر میلپو يك محسناتی دارد همانطور هم يك تقاضی در آن هست محسناتش آن اختیاراتی بود که برای رئیس کل مالیه قائل شده بودند و يك اقتدارانی بار داده شده بود. تقابض هم این بود که آن اختیارات خیلی بی اندازه بود یعنی يك اندازه بود که آقای رئیس الوزرا فرمودند که این اختیارات با اندازه است که شاید نسبت به يك دولت مستقل نام الاستقلال

که دارای شئون استقلالی است ضرر میرساند از این نقطه نظر مخالفت میکنم این بود که ما هم باعتبار موافق بودن با دولت موافقت کردیم ولی بالاخره فیما بین التیامی حاصل نشد. در این لایحه آن اختیاراتی که برای دکتر میلپو معین شده بوده است ولی آن تقاضی که در آن جا تصور میشد در اینجا رفع شده است. یعنی نسبت بحفظ کردن مال مملکت که عبارت از خزانه باشد تمام اختیارات را ملاحظه کرده ایم. تمام اختیاراتی را که برای میسیون آمریکائی ما ملاحظه کرده بودیم از نقطه نظر حفظ کردن مال بخزانه داری داده ایم. چون از خزانه مملکت يك تومانی خارج نمیشود مگر بتصویب مجلس شورای ملی. پس آن اختیاراتی که شما راجع به میسیون آمریکائی تصور میکردید که برای حفظ کردن خزانه مملکت بانها داده شده بود در این قانون هم کاملاً ملاحظه شده است. يك مسئله بود که اگر اختلاف نظری ما بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه پیدا میشد معین نکرده بود که مرجع حل این اختلاف کجا باشد. ولی در این جا ما مرجع را معین کرده ایم. اگر نظر نان باشد در آن صحبت و دادو قالی که چندی قبل شد بالاخره مسئله منتهی باین شد که رجوع شود به هیئت دولت و در موقع اختلاف هیئت دولت حکومت داشته باشد. معلوم است يك دولتی که میخواهد حکومت کند نمیتواند حکمیت راجع به مستخدم خودش را بخارج بیندازد. باید تحت اراده خودش باشد ما معین کردیم که موضوع اختلاف برود به هیئت وزراء و همینطور به خزانه دار هم حق داده شده است که اگر اختلاف نظری فیما بین خزانه دار و وزیر مالیه در قسمت عزل و نصب پیدا شد یعنی اگر يك پیشنهادی او کرد و وزیر مالیه موافقت نکرد هر دو بروند به هیئت وزراء و حکم هیئت وزراء معتبر است آقا این چه عیب دارد؟ کجا رفت آقای احتشام زاده؟ اما مسئله مستشار مالی آقا مطالعه فرموده اند. آقای بامداد فرمودند که باید کتاب بیاورند

مطالعه کنند. خیر آقا این طور نیست. خود نان در کمیسیون بودجه تشریف داشتید معنای مستشار و معلم چیست؟ معنایش این است که بنده اگر چیزی نمیدانم به او رجوع کنم ولی ما باین اندازه اکتفا نکردیم گفتیم آن متخصص مالی که می آید نظریات خودش را باید بیان کند و بدهد به وزیر مالیه و وزیر مالیه هم مکلف است قبول کند اگر نکرد رجوع میشود به هیئت وزراء. عرض کردم علتش این است که مطالعه نکرده وارد موضوع میشوید. تمام آن منافعی را که در زمان دکتر میلپو تصور میکردیم در این لایحه است باضافه اینکه آن نواقصی را هم که تصور میشد رفع کردیم. ما منافع آن متخصص مالی که درجه عالی دارد ملاحظه کرده ایم که باید نظریات خودش را در مسائل مالی و اصلاح امور اقتصادی بیان کند و وزیر مالیه هم مکلف است قبول نماید و اگر قبول نکرد رجوع می شود به هیئت وزراء. چکار کنیم؟ برویم بفلان سفارخانه رجوع کنیم؟ اینکه معنی ندارد همینطور در مسئله خزانه دار خزانه دار هم باید مطابق این موادی که برای او اختیاراتی قائل شده ایم مالیه ما را جمع کند عزل و نصب و ترقی و تنزل تمام اینها تحت نظر او باشد و اگر اختلاف نظری پیدا شد و وزیر مالیه موافقت نکرد باز محکمه را در هیئت وزراء معین کرده ایم که هیئت دولت خودمان حکومت کند پس اگر آقایان يك قدری مواد را ملاحظه کرده بودند تمام این اشکالات رفع میشد. يك فرمایشی آقای بامداد کردند که خیلی زیبنده نبود ظاهره من قبله الرحمه فرمودند که خوبست کتاب بیاوریم اینجا و ترجمه کنیم اینطور نیست. من بعرض مجلس مقدس میرسانم که ملاحظه کنند اینجا برای متخصص مالی ما چهار وظیفه معین کرده ایم که بعد از آنکه عهده دار این وظایف شد باید راپورت بدهد به وزیر مالیه اگر وزیر مالیه دید بفتح مملکت است و قبول کرد چه بهتر والا باید برود به هیئت وزراء. بنده مکرر وقتی آقای فروغی اینجا بود می گفتم آقا من نمیگویم ایران را بیشتر از شما دوست دارم ولی عقیده خودم را عرض میکنم. اینطور نیست که يك راپورتی

از متخصص مالی که مایه پول داده ام آورده ام بفرمایند مملکت داده شود و هیئت وزراء در هر دوره که باشد آن را زیر پا بگذارند اگر در يك موقعی هم هیئت دولت بیاید آن را زیر پا بگذارد مسلماً منافع مملکت را ملاحظه کرده والا هیئت دولت که نماینده يك لایحه که بفرمایند مملکت آمده است از بین برود. پس آقایان اگر مواد را ملاحظه کنید می بینند که کمیسیون بودجه تمام تقاضا را از بین برده و منافع اقتصادی را در نظر گرفته در جلسات متعدد وزیر مالیه و معاون او آمدند دیگران هم آمدند و با يك اصلاحاتی که وقتی داخل در مواد میشود مستحضر خواهید شد تمام جهاتی را که برای يك ملتی که میخواهد رو بترقی برود و يك مقامات را سیر کنند و مالیه خودش را اصلاح کند لازم بود ملاحظه کردیم و حفظ کبیان و استقلال خودمان را کرده ایم. اما راجع باین که تشکیلات مالیه خراب است. عرض می کنم اگر مالیه ما تشکیلاتش خوب بود که نمی آمدیم متخصص بیاریم البته چون خراب است میخواهیم درست کنیم ولی منحصراً مالیه هم نیست. وزارت داخله تشکیلاتش خوب است؟ آن یکی دیگر خوب است؟ اینها يك چیزهایی است که قدم بقدم باید بجای برویم. مکرر بنده عرض کرده ام هر فعل زمانی زمان میخواهد. فعل زمانی در آن واحد واقع نمیشود. می قدم بقدم (اگر عوائقی پیش نیاید) باید رو بترقی برویم و امید وارم که بيك جائی برسیم بعد از این سیری که الان ما متوجه هستیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

تقی زاده - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

تقی زاده - علاوه بر اینکه اصلاً يك لایحه مهمی که بمجلس میآید بعقیده بنده شخصاً (حالا اصراری ندارم در این مورد) دو شوری باید باشد یعنی بعقیده خودم نه تنها لواجبی که فقط برای دادن پول باشد بلکه آن لواجبی هم که متضمن پول باشد (چون لواجبی که متضمن پول

نباشد خیلی نادر است) باید افلا در امور کلیش يك مذاکراتی بشود. بنده شخصاً دلایلی در رد یا قبول مطلب نداشتم ولی افلا میخواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که آیا با يك مذاکراتی کرده اند و يك کسی این کارها را قبول کرده که ما داخل در مشاوره مسئله میشویم یا اینکه مثل مسئله نفت پس از آنکه مشاوره میکنیم و مسئله را تمام میکنیم بعد که رجوع میکنند کسی قبول نمیکند پس لا اقل اجازه بدهند که يك کسی این را بگوید و آقای وزیر مالیه جواب بدهند والا در مواد نوبت باین چیزها نمیرسد.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم این لایحه کلیانی دارد و در ماده اولش هم بطور کلی میشود صحبت کرد و در قسمت آخرش هم باز يك کلیانی دارد اما این سؤالی که فرمودند بنده اطلاع دارم که در آلمان و سوئیس با يك مقامات مذاکرات کرده اند ولی بالاخره بایستی این مسئله تمام شود و ابلاغ شود که او به بیند با این اختیارات میتواند حاضر شود یا خیر

تقی زاده - اول باید او قبول کند

رئیس - آقایان که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای عراقی

بکنفر از نمایندگان - تشریف ندارند

رئیس - آقای شریعت زاده

(تشریف نداشتند)

رئیس - آقای مدرس

مدرس - در زمان یکی از خلفا نظرم میآید عمر این عبدالعزیز بود و الی بصره يك منشی گرفت نصرانی خیر به خلیفه رسید خلیفه نوشت شما چرا از خودتان منشی نگرفتید؟ جواب نوشت که بقدر دونا منشی کار

میبندد و بقدر يك منشی مزد میگیرد و چون بقدر دو منشی کار میکنند و بقدر يك منشی مزد میگیرد از این جهت این نصرانی را استخدام کردیم خلیفه نوشت مات النصرانی من اقتصاد را درسه چیز میدانم شاید همه هم موافق باشند. اول علم. آدم پول بدهد علم بیارود و او پول از مملکت بیرون برود اما عوضش علم بیاید این بهترین اقتصاد است. دوم عمل يك کاری را خودمان نتوانیم بکنیم يك کسی را بیاریم آن کار را بکنند و پول بر دارد برود پول هم از مملکت بیرون برود یکی هم خود پول اقتصاد قوام و ارتکاش علم است و عمل و پول قوام دنیا و اداره کردن دنیا باین سه چیز است. پس ما اگر پول بدهیم علم بیاریم ضرری نبرده ایم. اگر پول بدهیم عملی بیاریم ضرری ندارد. اما اگر پول بدهیم و هیچ بیاریم البته ضرر برده ایم. این را باید حسابش را کرد. اولاً رئیس کل مالیه را در دوره چهارم بود که آوردیم و حقیقتاً آرزوی ما که درست کردیم بنده کاملاً موافق نبودم جهت این بود که چیزی آورده بودیم و پول داده بودیم و چیزی گیرمان نیامده بود از این جهت بنده چندین موافق نبودم لکن مخالف هم نبودم و امید واری داشتم. از باب اتفاق ولو امریکائی ها سالی صد هزار تومان از این مملکت بردند ولی بعقیده من عوضش را عملاً بردیم. حالا من سر رشته ندارم ولی میخواهیم به بینیم ما در این لایحه میخواهیم يك پولی بدهیم و عوضش يك چیزی بیاریم. اما اینجا چیزی نیست و فقط فی الجمله از خزانه داری يك چیزهایی هست اما آن سه نای دیگرش را من هر چه مطالعه کردم (بفرمائید آقای آقاسید یعقوب شب مطالعه نکردم اما باین اندازه که روز مطالعه کردم) در آن سه نای دیگرش چیزی ندیدیم. میگویند يك چیزی بگویند بوزیر مالیه و وزیر مالیه هم يك چیزهایی از او بشنود. خیلی وزیر مالیه ها داریم و دیدیم که یا بلد نیستند یا بلدند و اگر کسی چیزی بهشان بگوید نمی شنوند علیهذا من از آن سه نای چیزی نفهمیدم که يك پولی

بدهیم و چیزی هم گیرمان نیاید اینها هم بگویم اگر چه بنده کمتر بصورت آخوندی حرف میزنم ولی يك نصیحتی با کرده اند و آن این است که بما دستور داده اند که هر شب آخر شب که میخواهید بخوابید حساب جمع و خرج آن روزتان را بکنید. این نصیحت را بزرگان دینی با کرده اند. هر کس هم هر شب حسابش را بکند که از صبح تا شب چقدر پول خرج کرده. چقدر زحمت کشیده و چقدر اخلاق صرف کرده و چقدر در امور دیانتی وقت صرف کرده به عقیده بنده فردا حواسش برای کار جمعتر است و این دستور خیلی خوبی است حالا بنده هم مثل عمر بن عبدالعزیز میگویم مات النصرانی اما در وقتی که يك منشی داشته باشیم که اصف اصراری کار کنند. بنده در همین مجلس بدون این که بذهن يك نفر از آقایان یا به ذهن خود شائبه بیاید کفتم برای ریاست مالیه حاج مخبر السلطنه خیلی خوب است. اما صد يك آنها هم کار نکردند. من میگویم که باید علم و عمل را خرید ولیکن حساب ارزشش را هم کرد. لهذا این چیزهایی که در خزانه دار داریم اگر آدم درست و صحیح و پاکیزه حساب کند شاید يك چیزی داشته باشد اما باقیش که آن دو سه تا باشد چیزی ندارد لیکن بنده به مخبر علاود بر این عرض میکنم که این لایحه ها باید بیاید بکمیسیون قوانین مالیه که اساسش را به بینند و تصدیق یا تکذیب کنند بعد برود بکمیسیون بودجه اینجا چیزی که محل احتیاج ما است و آقایان تذکر میدهم این است (بنده نمیگویم رئیس مالیه که داشتیم همه صفات و کمالات و علم و عمل و همه را داشت اما بعضی صفات خوب داشت) یکی تقاضای این خرج که آیا خرج میشود یا نه؟ این نوی این لایحه نیست دادن را بدهند نگه داشتن را هم نگه دارند اما تقاضای و تحدید اینکه داد جایش خرج شود. این لایحه آزا ندارد و من ندیدم

یاسائی - تفریح بودجه سال بسال میآید

مدرس - خوب تفریح بودجه کاغذش را دارد. اما

تعیین اینکه آنچه میدهد بجایش خرج شود ندارد بعقیده من اگر این قید را هم داشته باشد و اکتفا بخزانه داری بکنیم يك چیزی است و الا باقی دیگرش زیادی است رئیس -- آقای رفیع

رفیع -- فرمایشات آقا تقریباً مخالف نبود يك مسئله کلی بود ... مدرس -- باسه نش مخالف بودم

رفیع -- که قوام دنیا با علم است و بعمل است بالاخره همه ماها هم اینهارا معتقدیم البته تا علم نباشد کار پیش نمیرود ولی خود آقا هم معتقدند که کسی را که داشته باشیم که عمل کند نداریم مجبوریم ما از خارج بیآوریم اساساً ما این لایحه نمیتوان مخالفت کرد برای اینکه لازم است چند نفری را از بیرون بیآوریم و مجبوریم باینکه هر چه هم آنها میگویند حتی المقدور بحرف آنها گوش بدهیم . آقا بکنفر از اینها را که مستشار باشد لازم نمیدانستند در حالی که در خود لایحه مصرح است که این مرد محترمی که اینجا میآید تکلیفش چه چیز است در اینجا برای او تکلیف معین شده است مطالعه در اوضاع مالی و اقتصادی و تهیه راپرتهای جامع آبا این را لازم نداریم تمام آقایان تصدیق دارند که وضع مالیاتهای ما بسیار بد است مالیات ارضی را باید الفا کرد باید طوری بکنیم که مردم در زحمت نباشند منافع ببرند مالیات هم بدهند ما خودمان میدانیم باید يك مالیاتی وضع کنیم که صدای مردم در نیاید . عراده های مملکت بخرج بیفتد این يك آدم متفکری میخواهد . نه تنها ایران همه جای دنیا تمام نقاطی که از هر حیث از ما تربیت شده تر هستند متخصص میآورند و حقوق زیاد بمانها میدهند برای اینکه لوایحی حاضر کنند و بدهند بدست دولت و بالاخره دولت میآورد اینجا مذاکره خواهد شد و با مشاوره آقایان عمل میشود تهیه پیشنهادات برای ایجاد منابع عایدات ناز و اصلاح اصول قوانین مالی . آقا تصور نمیفرمایند برای اینکه معادن و ذخایری

که ما داریم عملی بشود این يك آدم فکور و میخواهد که فکرش را بکنند و بالاخره يك آدمی باشد که امضای او را دنیا بشناسند؟ البته وقتی که بدانند این متخصص در ایران مشغول است کمپانیهای دنیا و عالمان آنها که عمل عمل هستند باامضای او اهمیت میدهند در اینجامشغول کار خواهند شد و ما پولدار میشویم آنوقت البته عوایدمان زیاد خواهد شد -- اصلاح ترتیب ادارات مالیه و تقلیل مخارج و حسن جریان امور مالی و اقتصادی . این را نمیخواهیم؟ خودتان تصدیق ندارید که مالیه ما با این وضع بسیار بد است؟ آقا فرمودند که حضرات آورند . آیا باین ترتیب که آقای نامداد در ضمن مخالفت اظهار کرد هیچکدام آقایان شك دارند که اوضاع مالیه بد است همه از دست او عرضه میدهند . مردم بما شکایت میکنند عین عرضه را میفرستادند برای آن مرد که میگفت حق نداری آخر اینها باید ترتیب داده شود اگر چنانچه حقیقه مالیه بتکلیف خودش عمل میکرد که کسی شاکی نبود . تمام این آقایان خود بنده که اینجا استاده ام بقدری که مالیه شکایت دارم که از هیچ وزارتخانه ندارم برای چه؟ رای ترتیباتی که سابقین دادند و نحو استند تشکیلات رادرس تنظیم کنند بالاخره ما يك متخصص عالی مقام میخواهیم بیاید اینجا تشکیلات مالیه ما را اداره کند و این داد و فریاد مردم قطع شود . فرمودند که از بابت نفتیش در اینجا اسمی برده نشده . ما بکنفر مفتش داریم . یکی از متخصصین مفتش است . تقریب حساب هم میکند . و در اینجا مصرح است که هر سال مجبور است بالاخره حسابش را پس بدهد آقا اگر تصور میفرمایید اینقدر کافی نیست پیشنهاد کنید شدید تر تکلیفش معین باشد توضیحان بدهند اگر چنانچه حقیقه قابل قبول باشد مجلس قبول میکند به پیشنهاد آقا رای میدهد و حضرات هم میآیند بالاخره گمان نمیکنم آقا بتوانند باین لایحه مخالفت شدیدی بکنند زیرا در تمام نقاط ایران فردی نیست که تصور بکنند ما متخصص برای اداره کردن مالیه نمیخواهیم

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است . فیروز آبادی -- بنده مخالفم رئیس -- بفرمایند

فیروز آبادی -- بنده تصور میکنم این لایحه خیلی اهمیت دارد و خیلی هم خرجش زیاد است باید يك قدری مذاکرات در این طولانی تر شود هر کس هر عرضی دارد بکنند که مثل متخصصین سابق نشود که بعضی ها را نگاهداشتند و بعضی ها را قبل از انقضای مدت کنترانشان مرخص کردند بعضیها شان رفتند بعضیها را هم همین روزها بیرون میکنند این جور دیگر نشود پس باید در اطراف این لایحه مذاکرات کامل و کافی بشود و هر کس هر حرفی دارد بزند که مثل متخصصین سابق نشوند که در اثناء کنترانشان آنها را مرخص کنند برون و يك مبلغ گرانی از مال مملکت را بآنها ناحالاً داده اید باقی را هم بدهید بروند تقریباً صد و پنجاه هزار تومان اینها خرجشان میشود باید حرف زده شود

مخبر -- عرض کنم مذاکره در کلیات این لایحه فقط روی این است که با اساس لایحه کسی مخالف است یا موافق اگر يك عده اساساً مخالف باشند که يك استخدامی از خارج بشود در کلیات لایحه باید بگویند که ما اساساً با این لایحه مخالفیم اما کسانی که در مواد يك لایحه نظر دارند و با اساس موافقند بهتر این است اجازه بدهند در مواد مذاکره شود شاید خود بنده هم از اشخاصی باشم که معتمد در مواد يك معایبی هست و باید آقایان پیشنهاد کنند رفع شود ولی باید آقایان تصدیق کنند که آنقدر که ما محتاجیم بسرعت تصویب این لایحه محتاج باین مذاکرات نیستیم

رئیس -- رای میگیریم آقایان باینکه مذاکرات را کافی میدانید قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- اکثریت است . رای گرفته میشود بشور

در مواد آقایان باینکه شور در مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس -- تصویب شد

بعضی از نمایندگان -- تنفس

رئیس -- میفرمایید چند دقیقه تعطیل شود؟

(گفته شد بلی)

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و

بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- ماده اول قرائت میشود آقای زعیم پیشنهادی کرده اند

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم لایحه متخصصین مالیه دو شوری باشد

رئیس -- آقای زعیم

زعیم -- پیشنهاد من توضیح زیادی لازم ندارد این استخدام چند نفر متخصص و شرایط استخدام در امور مالیه ما خیلی مؤثر است و هر قدر ما در اطراف استخدام آنها بیشتر مطالعه کنیم جای دوری زفته است باضافه این لایحه جزو دستور نبود لایحه بلدیه و قانون او جزو دستور بود امروز غفله و بلا مقدمه جزو دستور شد اگر آقایان مطالعات صحیحه در اطراف قضیه نکرده اند پیشنهادان تهیه نشده است بنده باین مناسب پیشنهاد کردم که دو شوری باشد تا اینکه مجال بدهد به آقایان که در اطراف قضیه فکر کنند و خود دوات هم موفق شود در اطراف آن پیشنهادات مطالعه کند .

رئیس -- آقای رفیع

رفیع -- آقای زعیم البته متذکر هستم باینکه این

مسئله تا چه اندازه برای مملکت اهمیت دارد هر وقت

در هر موقعی که ریاست کل مالیه لایحه اش اینجا مطرح

میشود همه آقایان متذکر بودند که چرا تکلیف متخصصین

مالیه معلوم نمیشود مدنی است این لایحه از کمیسیون بودجه گذشته چاپ شده برای اینکه آقایان مطالعه بفرمایند در خارج مبروند با هم مطالعه میکنند بالاخره میتوانند در موقع خرجش اگر ابرادانی دارند مذاکرات خود شان را بکنند رئیس محترم مجلس فرمودند يك شوروي است و از مجلس سؤال کردند که مخالفی هست کسی اظهاری نکرد و با يك شوروي بودنش کسی مخالفت نکرد حالا هم ما تکفیم تمام این مواد حالا بگذرد عملی نیست البته نمیتوانیم چهارده بازده ماده است بالاخره در يك ماده اش مذاکره میشود و رأی گرفته میشود و ماده بعدش میباشد برای بعد ولی این لایحه مهم است و ما نا وقتی که این لایحه را ننگذرانیم تمام کارهای مملکت فلج است هر روزی که تعویق بیفتد بالاخره يك صدمه است که مملکت وارد آمده است بایستی همه موافقت بفرمائید لایحه بگذرد.

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای زعیم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. ماده اول

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی بدوات اختیار میدهد که متخصصین خارجی ذیل را برای مدت دو سال استخدام نماید

۱ - بکنفر متخصص عالی مقام مالی و اقتصادی از اتباع آلمان

۲ - بکنفر متخصص برای ریاست خزانه داری کل از سویس

۳ - يك نفر متخصص برای ریاست اداره محاسبات کل از سویس

۴ - يك نفر متخصص برای اداره تفتیش از آلمان

رئیس - آقای فیروز آبادی پیشنهاد کرده اند که لایحه

از دستور خارج شود. آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - مدتی بود که همه ابران امیدوار بودند که متخصصین از خارج میآیند در ایران و ابرانیها از آنها استفاده های کلی میکنند این امید سالها بود بعد دیدند متخصص آمد در ایران با حقوقاتی خیلی گزاف که بحال ابرانیان خیلی زیاد بود در مقابل حقوقهای گزاف و امیدواریهائی که از آنها داشتند مابوس شدند در واقع نتیجه صحیح بقدر امید واری نبردند و اگر هم بردند نمیتوانم چه شده که نندند دارند آنها را جواب میکنند اگر اینها قابل استفاده هستند چرا از شان استفاده نمیکنند اگر قابل استفاده نیستند چرا امریکائیها می که آنقدر مواظب قانون و همه چیز هستند جواب میکنند و يك عده از جای دیگر نازه میخواهید بیاورید و حقوق آن امریکائیها را هم تمام میدهد در صورتیکه یکسال شش ماه هشت ماه از مدن کمتر از آنها باقی مانده بنده عقیده ام این است خود اهالی مملکت را در تحت قانون بیاورید يك مجازاتی بر قرار کنید خوب مفتش ابران هم میتواند تفتیش کند لازم نیست شما از آلمان یا سویس مفتش بیاورید که عملیات ما را تفتیش کند و سالی ده هزار تومان نیست هزار تومان ندیم چرا عملیات خودمان را خودمان تفتیش نکنیم چرا مفتش خود ما خود ما نباشیم همایش خارجیها ۱۲ اگر قابل استفاده اند چرا نندند بیرون میکنیم اگر قابل استفاده نیستند چرا نازه میآورید بنده باین ملاحظه پیشنهاد کردم از دستور خارج شود به بدین صلاح هست اینها را بیاورند آنوقت با حقوقهای گزافی که بنده نمی دانم صد و پنجاه هزار تومان خرجش میشود و آنوقت سرش ماه جوابش میکنیم بنده باین ملاحظه عقیده ام این است که از دستور خارج شود بعد بادواک مذاکره شود اگر صلاح ند یک ترتیب خوشی بیاورند بشرط اینکه بعدها از شان بتوانند استفاده کنند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هرچه مطالعه کردم در کلام آقا چیزی نیافتم جز این قسمت آخر کلامشان که فرمودند با دولت مشورت کنیم. آقا با دولت مشورت کردیم دولت میگوید خیلی لازم است دولت این را در تشکیلات مالیه در حفظ کردن مالیه مملکت و تقیضات و محاسبات لازم میداند ما ناچاریم تا يك چند وقتی متخصص بیاوریم که کارمان را اصلاح کند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس -- تصویب نشد. آقای ارباب کیخسرو در ماده

اول فرمایشی دارید

ارباب کیخسرو - همین قسم که اینجا گفته شد حقیقتاً بطور کلی وقتی نگاه کنیم وجود مستشار را بنده در این جا زیادی می دانم این متخصصی که اینجا نوشته اند البته بنده این عرض را نمیکنم که موافقت کرده باشم با آن اختیاراتی که رئیس کل مالیه داشت چه ان اختیارات از اول زبانی بود و حالا هم این عرضی را که میکنم عقیده ندارم که يك کسی بیاید با يك اختیاراتی مطابق آن ولی در این موادی که اینجا نوشته شده است بنده متأسفانه درست نفهمیدم که این متخصص مالی که اینجا میآید برای ما جز اینکه يك چیزهایی بنویسد و بدهد اگر خواستند قبول کنند نخواستند رد کنند فایده دیگری ندارد همان قسمی که آقای بامداد هم در ضمن اظهاراتشان فرمودند در گذشته تجربه کرده ایم اشخاص خیلی متخصص هم آمدند در اینجا بعنوان مستشار و متخصص و نتیجه از آنها گرفته شد حالا شاید در آتیه برخلاف این واقع شود و البته امیدواریم بشود حالا چون در این امر رأی داده شده است البته بنده در این موضوع زیاد تر از این عرض نمیکنم اما نظر باین که در اینجا

راجم بکلیات داشتم و در ماده اول میشود گفت این است که در دوره دوم مجلس يك قانونی برای امور مالی گذشت قانون دیوان محاسبات ما هیچ هم بموقع اجرا گذارده نشد بعد برای خلاصه کردن آن مجلس های گذشته يك کمیسیون تطبیقی قرار دادند آن هم بعد از آن که رئیس کل مالیه گذشته آمد در واقع آن کمیسیون تطبیقی مالی رفت جزء قرار داد استخدام او (قانون او از میان دارد میبرد و خوب هم هست که میبرد و بنده موافق نبودم باینکه يك رئیس مالیه در قانون دیوان محاسبات هم مختار باشد اما در ضمن این قانون بنده هرچه نگاه کردم چه تکلیفی برای جمع و خرج معین میشود ندیدم اینجا در يك ماده میگوید خزانه دار کل مکلف است بودجه را تهیه کند آخر سال هم جمع و خرج خودش را محاسبات بدهد بعنوان تفریح بودجه و آنها هم مفاصا بدهند اما دیگر این موضوع معلوم نیست که این جمع و خرجی که میشود در کجا رسیدگی میشود بالاخره مطابق قانون اساسی جمع و خرج تصویب و تفریفش را همه را باید مجلس شورای ملی بکند آقای وزیر مالیه چه نظری در این باب دارند چون بالاخره این پیشنهاد را ایشان میدهند از این تاریخ که این تصویب میشود محاسبات مالیه چه صورت خواهد داشت این محاسبات کجا خواهد رفت ؟ کجا رسیدگی خواهد شد ؟ از ابتدای مشروطیت تا بحال جز قانون تفریح بودجه مجلس شورای ملی که سالیانه بمجلس آمده است هنوز از طرف دولت هیچگونه قانون تفریح بودجه بمجلس نیامده است بعد از این هم همین صورت را خواهد داشت یا يك صورت بهتری خواهد داشت ؟ این در قسمتهائی است که بنده بطور کلی در نظر گرفته ام و اما در قسمت ماده اول خواستم ببینم چه ترتیبی در نظر دارند که دو سال مدت را قرار داده اند اگر تصور میفرمایند بعد از اینکه این دو سال منقضی شود دیگر به متخصص محتاج نخواهند بود بیاورند البته این مسئله مورد تقدیس

است ولی اگر تصور نمیفرمایند عقیده بنده این است که اقل مدت سه سال باشد برای اینکه يك فرجه باشد این اشخاص تا بیابند و داخل عمل بشوند مدتی منقضی میشود بعد از انقضای آن مدت دیگر چه میشود باز يك اضافه حقوق و مخارج سفر و چیزهای دیگری باید متحمل شوم یا برای خود اینها یا برای دیگری اگر حکمتی هم دارد البته خواهند گفت یکی دیگر در موضوع این تشخیصاتی است که در اینجا داده اند متخصص مالی را معین کرده اند از آلمان برای خزانه داری و محاسبات از سویس و برای نفتیش از آلمان بطوری که عرض کردم متخصص مالی در واقع هیچ دخالتی در جمع و خرج و حساب و اینها نخواهد داشت او فقط طرف مشورت است که يك پیشنهادی بدهد اگر موافقت حاصل شد که قبول میشود و اگر نشد هیچ عمده اینجاست که یکی خزانه داری است یکی محاسبات این اختلاطی که اینجا معین شده است البته يك حکمتی داشته است که اینها مخلوط باشد و بهتر میتواند در کار نفتیش کنند عقیده بنده این است اگر بجای خزانه دار یا محاسبات یکی از آنها را سویسی میکردند و یکی آلمانی ما بهتر نتیجه میکردیم تا اینکه دو جای مهم را بيك ملت واگذار کنیم البته این را من با يك نظر بسدی عرض نمیکنم ولی چون خود دولت معتقد به این تفکیک شده است عرض میکنم خوب بود این تفکیک را تکمیل میکردند اینجا اداره نفتیش را معین کرده اند از آلمان بنده میدانم که نفتیش چه اختیارات خواهد داشت البته شاید آقای وزیر یا آقای خیر توضیح بدهند بنده هم قانع شوم ولی اگر نفتیش او منحصر خواهد بود بهمین که از گذشته اطلاع داریم نفتیش در امور اجزاء باشد و يك کاری نکنند که وقت نگذرد این يك کاری است که کفایت نخواهد کرد که خزانه داری و محاسبات در تحت اختیار دو نفری باشد که از يك ملت باشند و کسی دیگر نفتیش در کار آنها نکند البته بعد از آنکه توضیح دادند شاید بنده قانع شوم و اگر نشدم در نانی عرض خواهم کرد.

وزیر مالیه - اعتراضی که باین لایحه میشود و نموده محترم هم يك قسمت از آنرا اظهار فرمودند راجع باین است که آیا این مستشار که ما قائل شدیم یا اینکه يك اختیارات اجرائی ندارد این قابل استفاده هست یا نیست اینجا آقایان باید متذکر باشند (در کمیسیون بودجه در مطلب مطرح بود مفصلاً خدمت آقایان عرض شده است يك کار کار اداری و جریان داخلی يك وزارتخانه است و متأسفانه تا يك مدت هائی بواسطه اینکه يك بصیرت و يك ورزیدگی هائی لازم است که در خود ما بطور کامل موجود نیست ما بایستی استعانت از علم و اطلاع و بصیرت خارجیها بکنیم در قسمت اداری و در قسمت جریان کار البته کسی که مسؤل يك اجرائیاتی میشود بایستی برای ابقاء باین مسؤلیت و توانائی بانجام وظیفه يك اختیاراتی هم داشته باشد. مسؤلیت باین اختیار این يك حرف لغوی است، حرف بی معنی است و روی همین اصل است که ما خزانه دار را که در حقیقت از نقطه نظر جمع و خرج از نقطه نظر محاسبات از نقطه نظر وصول و پرداخت مسؤلیتی در مقابل قانون و در مقابل دولت برایش قائل میشویم و برای خزانه دار يك اختیارات در حدودی که برای این کار لازم است باو مطابق این قانون پیشنهاد می کنیم که البته در موقعش وقتی رسیدیم اگر نظریات باشد در اطراف مواد بحث خواهیم کرد. مستشار را ما اینطور فکر کردیم (و این نظر ریشه تنظیم این لایحه است) که در حقیقت استفاده های تشکیلاتی قانونی هم از حیث مالی هم از حیث اقتصادیات عمومی مملکت از او ببریم این فقط مستخدم وزارت مالیه نیست اینرا ما باین نظر میآوریم که در کلیه مسائل اقتصادی مملکت مثلاً در فواید عامه هم که یکی از رشته های مالیه است ذی نظر باشد و ازار استفاده علمی و اطلاعی بکنیم و برای ما يك زمینه سازها بکند. حالا باید دید يك همچو آدمی که استفاده های بسط میخواهیم از او بکنیم در اجرائیات هم لازم است

يك مداخلات و اختیارات نامی داشته باشد؟ به عقیده بنده لازم و ملزوم نیست بلکه از يك حیث خوب هم نیست. ما چیز هائی را که لازم داریم يك چیز هائی است که باید یاد بگیریم و باید راهنمایی شوم و اگر ما این قدر نسبت به ادارات خودمان، به وزراء خودمان، نسبت بوقلاء و افکار خودمان و بالاخره هر کس در عالم خودش اینقدر اعتماد نداشته باشیم البته اگر فرضاً يك چیز را او خوب تشخیص داد و ما هم آنرا خوب و بخیر مملکت تشخیص دادیم دنبال آن فکر خواهیم رفت. و اگر کسی فرضاً پیدا شد که سست آمد دیگران نخواهند گذارد. و اگر این نظر را نسبت بهمه پیدا کنیم آنوقت بدیهی است که کار ما باهیچ مستشاری درست در نخواهد آمد، در عین حال ما در کمیسیون بودجه نظر خودمان را توسعه دادیم و قائل شدیم یا اینکه کسی را که برای اینکار یعنی برای استفاده میآوریم برای اینکه همانطور که گفته شد کتاب نباشد و میتوانیم از تجربیات علمی و اطلاعات او استفاده کنیم و او هم بتواند اصول علمی و معلومات و تجربیات خودش را با اخلاق و عادات و احتیاجات مملکتی ما تطبیق کند مخصوصاً قید کردیم که اینها دارای يك اختیارات باشند و يك کار هائی نکنند و الا آن کتابی میشود که آقای بامداد اشاره فرمودند البته باید باین شخص که میآید وسیله داد که بتواند در زندگانی اداری ما در تشکیلات اداری ما و در وضع و اخذ مالیاتهای ما و بالاخره در اجرائی قانونی در ایالات و ولایات در همه جا مطالعات کند و بتواند تطبیق کند احتیاجات ما را بدیهی است اگر این آدم را ما مستغرق تکالیف اداری و کاغذ بازی بکنیم آن استفاده هائیرا که ما میخواهیم و منتظریم که از او بکنیم نخواهیم کرد. ما در اینجا خواستیم تفکیک کنیم.

در کار های اداری و نظارت و جمع و خرج يك اشخاصی را بگذاریم که مطابق قانون عمل کنند و از طرف دیگر يك کسی را که وقتش بیشتر باشد آزادیش بیشتر باشد

باید بیاریم و يك وسائلی هم باید برایش ایجاد کنیم وقتی که مواد رسیدیم شاید يك چیز هائی که فعلاً در این لایحه نیست خود بنده برای تأیید این فکر تذکر بدهم و آقایان هم موافقت بفرمایند که يك وسائلی برای پیشرفت کار این مستشار ما میسر کنیم. چرا! برای اینکه ما میخواهیم این آدم از زندگانی اداری و عادی ما مطلع شود مثلاً یکی از چیز هائی که بنده در نظر دارم این است که نفتیش را باید با او يك اتصالات قانونی داد گرچه این کارها را بدون قانون هم ممکن است کرد ولی برای اینکه بهتر و محکم تر باشد مقتضی است که در ضمن قانون تکلیف معین شود. برای اینکه از مجرای اداره نفتیش هم بتواند اطلاعات لازمه داشته باشد و تنها وزیر وقت نباید این اطلاعات را داشته باشد. گرچه وزیر هم که اطلاع داشته باشد باید بآن مستشار بگوید و اطلاع دهد ولی خوب. کار است. ممکن است يك وقتی وزیر غفلت کرد و نداد یا نخواست بدهد غرض این است که يك ترتیبی باشد که خود او هم از وضعیت اداره نفتیش اطلاعات داشته باشد. و خود نفتیش مستقیماً بخود او این اطلاعات را بدهد یا وقتی که يك پیشنهادی داد و خواست دنبال پیشنهاد خودش رود که به بیند این پیشنهاد چه تأثیری در اصلاح دارد؟ و اگر خواست يك تحقیقاتی از مجرای نفتیش بکند بتواند مقصود این است که يك تسهیلاتی برای کار او قائل شد و وقتی که وارد مواد شدیم البته در این مذاکرات و نظریه ها بحث خواهیم کرد روی هم رفته این فکر را آقایان باید درست تشخیص بدهند که برای این مقصودی که ما در نظر داریم يك اختیارات نام و تمامی مستشار لازم ندارد، و قطع داشته باشید که بهمین ترتیب کار او بهتر و بیشتر پیشرفت خواهد کرد و قابل استفاده تر خواهد بود. هم وقت او بیشتر و فارغ تر میشود و هم آزادی و مجالش زیادتر است و هم اصطکاک و تماسش با يك مقامان کمتر است و روی هم رفته بهتر

میشود ار او استفاده کرد. آقای ارباب اشاره فرمودند باینکه، قانون دیوان محاسبات اجرا شده و بجای او يك كميسيون تطبیق بوده که آنهم بيك صورت دیگری در آمده است. بالاخره خواستند بدانند این وضعیت چه خواهد شد؟ و باین لایحه بعد از این ترتیب این کار چه صورت پیدا خواهد کرد؟ البته خاطر آقایان مستحضر است که قائم مقام کمیسیون تطبیق حالا هم هست. و مطابق اختیارات که قانون رئیس کل مالیه داده بود و مطابق قانون خزانه داری که آلاں اجرا میشود و به تصویب مجلس هم رسیده گویا در ماده ۸ یا ۶ قانون خزانه داری (ماده اش درست نظرم نیست) در آنجا تشخیص و تصریح کرده که برای تطبیق حوالجات يك اشخاصی را وزیر مالیه و رئیس کل مالیه باید معین کنند (این در قانون سابق است نه در این قانون) و مخصوصاً در آنجا قید کرده که اینها از اجزاء خزانه نباید باشند. بلکه اینها يك مأمورینی هستند که حوالجات را تطبیق میکنند و امضائی که پای آن حوالجات است (نه از نقطه نظر وظیفه اداری و مالیه بلکه از نظر حق قانونیکه دارند) باید ملاحظه و معاینه و تطبیق کنند در قانون خزانه داری این مسئله معین است. الان هم این ترتیب معمول است. ولی در این قانون ما این وظیفه را برای خزانه دار معین کردیم و علت اینکه این ماده را ذکر نکردیم عمداً برای این بوده است که چون این وظیفه تطبیق و این اختیار و حق کنترل را به خزانه دار خواستیم بدهیم و یکی از مهمترین مواد اختیارات او هم همین است زیرا در خواستها را که خزانه صادر نمیکند. بودجه را هم که خزانه تهیه نمیکند درخواستها را محاسبات وزارت مالیه تهیه و صادر میکنند بودجه را هم وزارت مالیه تهیه کرده و بتصویب میرساند و پس از تصویب مجلس وزارت مالیه اجرا کند آن بودجه است پس باید برای این خزانه داری که می خواهیم اختیاراتی قائل شویم حق تطبیق حوالجات را برای او بگذاریم. تا او به بیند این بودجه که وزارت مالیه امضاء

و تهیه کرده با اعتبارات موجوده تطبیق میکند یا نه؟ اگر تطبیق میکند بدهد و اگر تطبیق نمیکند ندهد. باین ملاحظه این حق و اختیار را در ماده هشت و نهمش باو داده اند. این مسئله در قانون سابق بود و بنظر خود او باقی گذارده شده بود برای اینکه وقتیکه آمد با اگر خواست با نظر خودش جور دیگر کند مختار باشد. پس بطوریکه ملاحظه میفرمائید تطبیق هست و خواهد بود.

اما مسئله دیوان محاسبات البته تصدیق میفرمائید چنانچه خود بنده هم معترفم که یکی از نواقص بزرگ ما نداشتن دیوان محاسبات یا يك قانون و چیزی که قائم مقام او باشد. علت این که قانون دیوان محاسبات تا بحال اجرا نشده برای این بوده است که این قانون آن طوری که باید سهل الاجرا باشد نیست و وسائلش برای ما میسر نیست که يك چنین مؤسسه اساسی را درست کنیم. و با اجرا بیندازیم و البته یکی از کارهای مهمی که ما از این مستشار می خواهیم همین است که نسبت باین قبیل قوانین که حقیقتاً قانون اصولی است نظر بکنند و يك چیزهایی بما راه نمائی و دلالت کنند که کاملاً مطابق مذاق و استعداد ما باشد. ما امروز اگر بخواهیم در يك اداره پنج باشش شعبه که مثل دیوان محاسبات باشد با همان وظائف و اختیارات تاسیس کنیم شاید آن اندازه آدم نداشته باشیم آنها يك چیزهای مروری است شاید اگر امروز ما بخواهیم يك چیزهایی کوچکتری درست کنیم که قابل استفاده بشود بعد از الغاء قانون چهارم اسد و تصویب این قانون البته بلافاصله باید بقوانین مملکتی قانون دیوان محاسبات که تاکنون بلا اجرا مانده یا قانون کمیسیون تطبیق حوالجات سر و صورت اساسی داد. و این کار را البته مستشار ما باید بکند ما اگر میخواستیم در این قبیل کارها عاجل کنیم شاید یکقدری متناقض میشد زیرا وقتی که ما فائز به مستشار و استشاره فکری و عملی و قانونی شدیم و متفکر

شدیم باینکه يك کسی باید هادی فکری و دلیل راه قانونی ما باشد دیگر عجله لازم نیست و باید صبر کنیم که این اشخاص بیابند و این قبیل کارهای ما با هدایت فکری همین اشخاص که بوجودشان قائلیم سر و صورت گیرد. و اگر خودمان می خواستیم بکنیم بی نتیجه بود. اما مسئله محاسبات را که فرمودید که بعد از این محاسبات چه صورتی خواهد داشت و در کجا خواهد بود اگر بقانون خزانه داری مصوب که الان هم جاری است ملاحظه میفرمائید خواهید دید که مقنن در قانون محاسبات همچو نظر داشته که وجوه عمومی بالتام در خزانه داری تمرکز پیدا کند. متأسفانه مأمورین و مستشاران پیشین ما این قسمت از قانون را اجرا نکرده اند خزانه که ما تا بحال داشتیم صورت يك صندوق محاسباتی را داشته و آن ماده قانون که محاسبات مملکتی را جزء وظایف خزانه می گذارد عمل نشده و در عوض در خود وزارت مالیه يك اداره محاسبات کلی که برطبق يك قانون دیگری که قانون محاسبات عمومی باشد این کار را میکنند و عمل مینمایند. ما در این قانون باز همان فکر سابق مقنن را تعقیب کرده ایم یعنی خواسته ایم در آتی مرکز حقیقی محاسباتی را در خزانه داری تمرکز بدهیم. برای اینکه خزانه این وجوه را وصول میکند و خودش هم خرج میکند و البته نگاهداری این حساب در يك مرکز سهلتر است. اما حالا چه صورتی دارد؟ حالا يك محاسباتی ما در صندوق داریم که بنده اسمش را گذارده ام محاسبات صندوقی، محاسبات خزانه. اداره محاسبات حالا هم هست ولی طبیعی است که يك چیز زیادی است. و همان محاسبات صندوق هم زیادی است. يك اداره محاسبات خیلی عریض و طویل هم در وزارت مالیه داریم که اداره محاسبات کلی است و مطابق قانون محاسبات عمومی عمل میکنند. يك اداره محاسبات هم الان در اداره عایدات داریم که حساب عایدات را می کند. در سه جا سه اداره محاسبات داریم ولی در نتیجه يك حساب صحیح هم

نداریم. حالا ما در این قانون خواستیم و این طور معتقد شدیم که اداره وصول عایدات را هم ضمیمه خزانه بکنیم و خزانه دار را هم مسؤل و مجاز قرار دهیم در پرداخت و مأمورین وصول عوائد و عملی که عایدات را وصول می کنند در تحت نظر او قرار دهیم عمل پرداخت هم که با او است. حساب عمومی مملکت را هم از نقد، جنس جمع و خرج و غیره او نگاه میدارد يك محاسباتی هم در وزارت مالیه خواهد بود که مثل تمام محاسبات دیگر دنیا کنترل کننده است و فقط نسبت بصحت جریان آن محاسبه نظر دارد و نتیجه گیرنده آن محاسبه است یعنی چه؟ یعنی لوائح تفریغ بودجه را این اداره باید تهیه کند و ملاحظه نماید در این قانون هم باین مسئله اشاره شده و در مواد اخیر این قانون اشاره و ذکر شده که خزانه دار باید در موقع مقرر قانون پیش بینی عوائد سال بعد را با اداره محاسبات بفرستد برای اینکه محاسبات لایحه بودجه سال بعد را که از وظائف این محاسبات است تهیه نماید. همین طور نوشته شده که باید وصولی و پرداختی را بفرستد برای اینکه محاسبات لایحه تفریغ بودجه را باید تهیه کند با این ترتیب این «محاسبات» خلاصه میکنند، نظارت میکنند، و انجام وظیفه کنترلی مینمایند و بودجه را پیش بینی میکنند و لایحه تفریغ بودجه را حاضر میکنند ولی آن محاسبات کل و محاسبات جزء دفاتر محاسباتیکه راجع بتمام ایالات و ولایات است. باید در آن مرکزی باشد که بیشتر با اینکار سروکار دارد و مربوط است و آن خزانه است و این ترتیب هم ساده تر میشود و هم از حیث تشکیلات سبک تر میشود و از هر جهت بهتر است و این نظریه بود که ما بنظر خود متخصص اتخاذ کردیم و همان نظریه قانونی سابق خزانه داری را تعقیب کردیم. این نظر را ابتدا خود دکتور میلسپوهم داشت و تعقیب میکرد حالا چه شد که بعد پشیمان شد یا نتوانست اجرا کند بنده نمیدانم پس در این قسمت عرایضی که کردم و آن سؤالی که

نماینده محترم راجع به اعمقیت لایحه تفریح بودجه کردند گمان میکنم بقدر کافی توضیح خدمتشان عرض کردم. راجع به اظهاراتی که در موضوع مدت فرمودند که چرا مدت استخدام این مستشاران دو سال است و بیشتر نیست و متأسفانه علتش آن دایلی که اظهار فرمودند نیست یعنی ما نمیتوانیم همچو پیش بینی کنیم که دو سال بعد ما از وجود این ها مستغنی خواهیم بود البته همه ماها این نظر و سعی را باید داشته باشیم هر قدریکه ما زودتر از وجود خارجی ها مستغنی شویم بهتر است و بساعات خودمان بیشتر خدمت کرده ایم ولی این یک چیزی است که نمیشود پیش بینی کرد زیرا مرور زمان میخواهد تجربه میخواهد علم میخواهد. پس ما دو سال را برای این معین نکرده ایم که بعد از این مدت مستغنی شویم بلکه برای این بود که اولاً این مستشارانی که ما در نظر گرفته ایم بیاوریم یک اشخاص مهم و ورزیده متخصص عالمی هستند این قبیل اشخاص رسمشان این است که برای یک کارهایی که هنوز در آن تجربیات کافی ندارند و نمیدانند چه صورتی پیدا خواهد کرد نمی توانند یک تعهدات طولانی نری بکنند. ما خواستیم رعایت حال این اشخاص را هم کرده باشیم. ممکن بود مامدت را خیلی طولانی بکنیم ولی بعد از دو سال اختیار فسخ بگذاریم. خوب این هم همان است فرقی نمیکند حالا ما این دو سال را قرار دادیم تا به بینیم چه میشود بعد از این مدت البته باز میتوانیم تمدید و تجدید کنیم ما چون این نظر را نسبت به مستشار داشته ایم نسبت بخزانه دار و دیگران هم همینطور قرار دادیم برای این که مدت همه یکسان باشد و در واقع خواستیم مدت را نسبت بهمه منطبق و یکسان قرار داده باشیم و الا ممکن بود نسبت بدیگران سه سال چهار سال مدت قرار دهیم ولی مدت را نسبت بهمه یکی قرار دادیم برای اینکه در آخر دو سال اگر خواستیم تجدید کنیم همه را تجدید کنیم و با اگر تغییری بدهیم نسبت بهمه باشد. این که

فرمودند رئیس تقنینی که می آید چه اختیارات او داده میشود یا رئیس محاسبات را چه اختیارات میدهند اینجا یک نکته است که آقایان بطور کلی باید متذکر باشند که: هر مستخدمی را که ما میآوریم نباید بهر یک از آنها یک اختیارات مبسوطی بدهیم. اختیار را اساساً بیک نفر دو نفر میشود داد نه به همه. در حقیقت این اختیار را بیک نفر میشود داد زیرا هر اداره مطابق قانون مطابق نظامنامه یا قوانین موضوعه و موجوده یک تشکیلات و حدودی دارد و هر کس که میآید باید عامل آن وظائف و مجری آن تکالیفی باشد که قانون و نظامنامه برای هر اداره معین کرده است. حالا اگر صلاح باشد بعضی چیزها را کم و زیاد کند یا لازم باشد قانون یا نظامنامه را اصلاح کند آن در ضمن عمل درست خواهد شد. مثلاً قانون محاسبات عمومی برای اداره محاسبات وزارت مالیه یک تکالیف خیلی سنگینی را معین کرده حالشما که یک کسی را برای ریاست محاسبات می آورند این را مجری و عمل کننده قانون موجود راجع بمحاسبات در مملکت خودتان میکنند یا نسبت بقانون که بعد ایجاد می کنید. تفاوتی که این کار با کار سابق دارد این است که سابق برای هر مستخدمی را که می آوردیم برای یک کار معین و ثابتی نبود مثلاً برای فلان کار که خزانة یا محاسبات باشد بطوری که غیر از آن کار دیگری نکنند نبود بلکه همینطور بگردد را بعنوان معاونت رئیس کل مالیه میاوردیم و آن وقت هر کس را که او میخواست بهر کاری بگمارد میتوانست و مختار بود مثلاً میخواست یک کسی را رئیس محاسبات کند یا پیشکار مالیه فلان نقطه بکند یا کار دیگری باز بدهد مختار بود ولی ما دیدیم این طرز جریان کار در موقع عمل خوب نیست و بهتر این است هر کسی را که می آوریم بدانیم برای چه کار است مثلاً فلان آدم قابل برای ریاست محاسبات است. متخصص و متقنی مثلاً در محاسبات است؟ در تقنینی است؟ در خزانة است؟ در چه کار است و برای هر کاری آن کسی که مناسب است

بیآوریم. وقتی که اینطور شد ما میدانیم فلان آدم رئیس محاسبات قانونی ما است وقتی که به این سمت شناخته شد آن وقت تمام وظائفی را که یک رئیس محاسبات باید مطابق قانون داشته باشد خواهد داشت و تکالیف او معلوم است و این البته بهتر است و این ترتیب هم بصرفه ما است و هم به صرفه آنها. محاسبات عمومی مملکت باید بطور کلی قانون داشته باشد حالا این یکمستشار اجرا شود یا یکمستشار خزانة دار این چندان اهمیت ندارد و اگر عیبی در کار هست در هر حال قانون موجوده را باید اصلاح کرد اگر خوب است باید نگاهداشت و اگر نواقصی دارد باید اصلاح کرد. و معایبش را رفع کرد. آن آدمی هم که میآید مطابق قانون اختیاراتش معلوم است و وقتی که بنا شود تکلیف هر کس که میآید از اول معلوم باشد آنوقت دیگر شما نمیتوانید کسی را که رئیس محاسبات است و برای این کار استخدام کرده اید بفرستید بفلان نقطه و او را مثلاً امین مالیه فلان جا کنید این ها یک مسائلی است که دیگر ذکرش در کنترات ضرور نیست و روی هر فتنه همچو تصور میکنم که تقریباً جواب تمام فرمایشان که فرمودند عرض کردم و در مواد هم اگر یک نظرانی باشد باز ممکن است در موقع عرض کنیم. اشاره فرمودند به ملیت این ها باید عرض کنیم این تفکیکی را که ما کردیم برای این بود که همچو فرضی کردیم حالا که ما روی این خط سیر میکنیم بهتر این است که خزانة دارو محاسبات از دولت باشند این البته یک مسئله ایست نظری. بنده خودم هم این نظری را که میفرمائید شاید

هنوز نتوانسه ام روشن کنم البته در این موضوع باید با سایر همکار های خودتانی و همینطور با اشخاص دیگر که باید مشورت کنیم مشورت میکنیم صحبت و مذاکره میکنیم و بالاخره حل میکنیم. ممکن است آقا پیشنهاد بفرمائید و ما مورد مذاکره و مطالعه قرار بدهیم. ما بطور کلی روی یک اصل کلی این نظر تفکیک را داشتیم حالا باینکه فلان شغل مال این باشد یا فلان شغل دیگر مال آن دیگری این را ممکن است در موقع پیشنهاد بفرمائید و اگر قابل موافقت بود مانعی ندارد که قبول کنیم اما این را هم خدمت آقایان عرض کنم که شاید خودبند در جلسه بعد تقاضا کنیم که بر این لایحه یک چیزی اضافه شود و در جلسه بعد نتیجه تحقیقات خودم را خواهم کرد. فعلاً نمی توانم در این موضوع چیزی بطور قطع عرض کنم ولی بطور کلی همینقدر عرض میکنم که ما مجبوریم برای این مستشاری که میآوریم یکی دو نفر مستشار برای وظائف اداری از نقطه نظر کار خودش بیآوریم و این فقط از نقطه نظر وظائفی است که برای او معین شده و در واقع بطور کمک خواهد بود. این مسئله بین ما و خود آنها مورد بحث و مذاکره است و فردا تکلیفش معین خواهد شد. و البته پس از آنکه تکلیفش معلوم شود بعرض آقایان میرسانم

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه.

رئیس - بقیه مذاکرات میباید برای روز شنبه

(گفته شد - صحیح است)

(مجلس یکساعت ولیم از ظهر گذشته ختم شد)